

Evolution of Priorities in Shanghai Cooperation Organization since its Establishment up to 2019

Farhad Atai*

Professor of International Relations, University of Tehran

Somaye Zangeneh

Ph.D. Student of Regional Studies, University of Tehran

(Date received: 25 Aug. 2019 - Date approved: 18 May 2020)

Abstract

The Shanghai Cooperation Organization was established in 1996 at the initiative of China to solve border problems of five neighboring countries. Nearly a quarter century after its creation, it has become a major regional organization expanding most of Eurasia. With 20 percent of the world's oil and 50 percent of the world's gas reserves, it has the potential to become one of the world's largest international economic and energy hubs in the coming decades, managing and controlling much of the world's energy. Extensive geographical Territory, large population, vast energy resources, possessions of nuclear weapons, strong armed forces, veto power of two of its member countries in the United Nations Security Council, and other factors, give the organization this great economic, political, and military potentials. SCO has the largest gas producing and the largest energy consumers countries among its members. After a brief review of developments in the Shanghai Cooperation Organization, this paper examines the organization's capabilities in terms of economic and energy security and shows how this limited regional agreement has become a huge regional cooperation organization. In this article, we also review the energy routes in the Shanghai Cooperation Organization's vast geography. We look at the various regional, ethnic, and political conflicts that have a negative effect on the Organization's internal dynamic. We especially examine the policies of its two giant partners, namely, China and the Russian Federation.

We also review the evolution of the organization's goals and priorities, ranging from resolving border disputes between China and Russia to economic cooperation and securing energy lines. This paper suggests that despite its great potentials, this organization will not be able to materialize this potential. This study shows that after nearly a quarter of a century, the

* E-mail: atai53@yahoo.com (Corresponding author)

Shanghai Cooperation Organization has not been able to materialize its huge potential. The reasons may be found in two important political and economic factors. A prerequisite for economic success of such associations or unions is complementary economies, where each country contributes to the union what other member countries lack. In today's globalized world, however, countries of the Shanghai Cooperation Organization look elsewhere for cooperation. China's economy, for example, is more tied to the huge US market than to its allies in SCO. Russia's huge energy resources, in turn, are aimed more at the European market, rather than at China's.

Politically, unlike EU member states that have a liberal democratic system and a common ideology, members of the Shanghai Organization have different worldviews and different governmental and ideological systems. Political instability in some of SCO countries has been an additional obstacle to realization of the mentioned potential. Regional conflicts, frozen and active, such as those in Nagorno-Karabakh, Abkhazia, and the Sinkiang region further inhibit free and safe multilateral economic cooperation.

The initial goals and priorities of the Shanghai Cooperation Organization have evolved during the past quarter of century because of economic, political, and security dynamics of this vast region in a globalized world. The huge potential envisioned by many of policymakers in the organization has not materialized.

Keywords: China, Energy Security, Energy Transmission Lines, Regional Conflicts in the Caucasus, Russia, Shanghai Cooperation.

پښتونستان د علومو او مطالعاتو فرېنسټي
پرتال جامع علوم انساني

تحول اولویت‌ها در سازمان همکاری شانگهای از زمان تأسیس تا سال ۲۰۱۹

فرهاد عطایی

استاد روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران

سمیه زنگنه

دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۰۳ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۲/۲۹)

چکیده

سازمان همکاری شانگهای در سال ۱۹۹۶ به ابتکار چین و با هدف حل مشکلات مرزی پنج کشور همسایه تشکیل شد و امروز پس از ۲۳ سال به پیمان منطقه‌ای بزرگی تبدیل شده است. این سازمان با دراختیارداشتن ۲۰ درصد ذخایر نفتی و ۵۰ درصد ذخایر گاز جهان، قابلیت آن را دارد که در دهه‌های آینده به یکی از بزرگ‌ترین قطب‌های بین‌المللی اقتصادی و انرژی تبدیل شود و مدیریت و کنترل بخش عظیمی از انرژی جهانی را در اختیار بگیرد. بررسی اطلاعات آماری مربوط به کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای نشان می‌دهد که اعضای این سازمان قابلیت آن را دارند که در دهه‌های آینده به یکی از بزرگ‌ترین قطب‌های بین‌المللی اقتصادی، تجاری، سرمایه‌گذاری خارجی، انرژی و نظامی در جهان تبدیل شوند. قلمرو جغرافیایی وسیع، جمعیت زیاد، منابع انرژی گسترده، سلاح‌های هسته‌ای، نیروهای مسلح، حق و تو در شورای امنیت و عامل‌های دیگر به این سازمان ظرفیت اقتصادی، سیاسی و نظامی بالایی می‌بخشد. این سازمان هم بزرگ‌ترین تولیدکننده گاز و هم بزرگ‌ترین مصرف‌کننده را در خود دارد، بنابراین پایه اصلی رقابت‌های آینده به‌سوی مدیریت منابع انرژی است. این نوشتار پس از مرور تحول‌های گذشته سازمان همکاری شانگهای، قابلیت‌های این سازمان را از جنبه‌های اقتصادی و تأمین امنیت انرژی بررسی می‌کند و نشان می‌دهد چگونه این پیمان منطقه‌ای محدود، به یک سازمان همکاری منطقه‌ای بزرگ تبدیل شده است. فرضیه نوشتار این است که با وجود ظرفیت‌های بسیار، این سازمان به یک قطب اقتصادی و راهبردی جهانی تبدیل نخواهد شد.

واژگان اصلی

امنیت انرژی، چین، خطوط انتقال انرژی، روسیه، سازمان شانگهای، نزاع‌های منطقه‌ای قفقاز.

مقدمه

حوزه سازمان شانگهای از دریای بالتیک تا دریای چین، از سیبری تا خلیج فارس و خلیج بنگال گسترده است. این سازمان از نظر جغرافیایی، ۳۷ میلیون کیلومتر مربع وسعت و ۲.۷ میلیارد نفر جمعیت دارد، یعنی حدود ۴۴ درصد جمعیت جهان را دارد و از نظر انرژی، با احتساب ایران، این سازمان ۲۰ درصد نفت و ۵۰ درصد گاز جهان را در اختیار دارد. سازمان شانگهای هم بزرگ‌ترین تولیدکننده گاز و هم بزرگ‌ترین مصرف‌کننده را در خود دارد. در سال ۲۰۰۳ میزان مصرف گاز جهان ۹۲ میلیارد متر مکعب در روز بوده است. با رشد ۴ درصدی که برای گاز پیش‌بینی شده، در سال ۲۰۳۰ این میزان به بیش از ۱۹۵ میلیارد متر مکعب در روز خواهد رسید. همچنین، پیش‌بینی می‌شود در هفتاد سال آینده نفت همچنان در تأمین انرژی جهان سهمی ویژه داشته باشد (Global Security, 2017). چین تا سال ۲۰۲۰ به بزرگ‌ترین اقتصاد جهان تبدیل خواهد شد. روسیه هم می‌کوشد تا سال ۲۰۲۵ به چهارمین اقتصاد جهان تبدیل شود. این بدان معنی است که این کشورها در عرصه تأمین و مصرف انرژی سهمی بسیار بزرگ خواهند داشت. این سازمان از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۱ درگیر تروریسم و مبارزه با قاچاق مواد مخدر بود، اما یک تغییر جهت به‌سوی کارکردهای اقتصادی در سازمان اتفاق افتاده است. به‌نظر می‌رسد در قالب سازمان شانگهای کشورهایی که هم بزرگ‌ترین تولیدکننده و هم بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی جهان هستند، در صورت به‌کارگرفتن سیاست‌های هماهنگ می‌توانند در موقعیتی واقع شوند که مدیریت و کنترل بخش بزرگی از انرژی مورد نیاز جهان را در اختیار بگیرند. در جدیدترین قطعنامه سازمان شانگهای در سال ۲۰۱۹ در بیشکک بر جلوگیری از گسترش عقاید افراط‌گرایی، تروریسم در اینترنت و همچنین استفاده‌نکردن از فناوری اطلاعات برای ارتکاب جرائم تأکید شد.

این نوشتار به این موضوع بسیار مهم می‌پردازد و با بررسی تحول‌های حوزه انرژی جهانی از یک‌سو و بیانیه‌ها و مواضع اعلامی سازمان شانگهای از سوی دیگر، می‌کوشد نشانه‌هایی از تحول در اولویت‌های این سازمان بیابد. یافته‌های این نوشتار نشان از تغییر اولویت‌ها از تأمین امنیت مرزی به تأمین امنیت خطوط انتقال انرژی و مدیریت انرژی جهانی دارد.

امنیت انرژی

ایده امنیت انرژی با شکل‌گیری آژانس بین‌المللی انرژی^۱ مطرح شد که امنیت انرژی را

۱. International Energy Agency (IEA) یک سازمان مستقل بین‌دولتی است که در سال ۱۹۷۴ در پی بحران نفتی سال ۱۹۷۳ بنیان‌گذاری شد که دبیرخانه آن در پاریس است.

«دسترسی دائم و به‌صرفه انرژی با حفظ محیط زیست» تعریف کرده است. از آنجایی که نفت و گاز بیشترین سهم را در تأمین انرژی جهان دارد، امنیت انرژی بیشتر به نفت و گاز مربوط می‌شود. مفهوم امنیت انرژی در طول زمان تغییر یافته و اکنون شامل امنیت عرضه و نیز امنیت تقاضای انرژی است. برای مصرف‌کنندگان، امنیت انرژی یعنی انرژی با قیمت مناسب، در زمان مورد نظر و به‌صورت مداوم قابل دسترسی باشد. اما از دید عرضه‌کنندگان، امنیت یعنی تداوم تقاضا برای انرژی (Yigit, 2012: 12-13). آژانس بین‌المللی انرژی^۱ سه راه برای افزایش امنیت انرژی ارائه داده است:

۱. تنوع منابع، افزایش کارایی و انعطاف‌پذیری در حوزه انرژی؛
۲. حفظ ظرفیت مازاد تولید انرژی برای مواقع اضطراری؛
۳. گسترش همکاری بین‌المللی با همه کنشگران جهانی در بازارهای انرژی (Yigit, 2012: 12-13).

مسیرهای انتقال انرژی در محدوده سازمان همکاری شانگهای

در حوزه جغرافیایی سازمان شانگهای خطوط مختلف انتقال انرژی وجود دارد که در تأمین انرژی جهانی سهم مهمی دارند: خط لوله نفت قزاقستان و روسیه و بندر نوروسیسک، خط لوله نفت قزاقستان و چین، خط لوله نفت سیبری شرقی و اقیانوس آرام، خط لوله کنسرسیوم خزر، خط لوله گاز آسیای مرکزی و چین، خط لوله گاز تاپی، خط لوله گاز صلح، خط لوله گاز آسیای مرکزی، خط لوله ماورای افغانستان، خط لوله چین، خط لوله گاز ترکمنستان به چین و خط لوله گاز ازبکستان و چین (Rahman, 2011:70).

امنیت انرژی و نزاع‌های منطقه‌ای در اوراسیا

با نگاهی به مفهوم امنیت انرژی و منازعات منطقه‌ای در منطقه اوراسیا، سه موضوع مهم مطرح می‌شود: اول، مناطق تولید انرژی در اوراسیا؛ دوم، در چه کشوری منابع انرژی به بازار خارجی منتقل می‌شود و کنشگران اجتماعی این چارچوب ساختاری حمل‌ونقل انرژی و توزیع سود را چگونه می‌بینند (Kanet and Sussex, 2016: 16). در بحث امنیت انرژی برای کشورهای واردکننده، مسئله مهم این است که کشور تولیدکننده، امنیت و ثبات سیاسی و اقتصادی داشته باشد. مایکل راس، جیمز دی فایرون و دیوید لایتین استدلال می‌کنند که بین «تولید نفت با شروع جنگ داخلی» ارتباط وجود دارد (Fearon and Laitin, 2011: 200). برخی از این

مفاهیم نظری که بیانگر ارتباط میان انرژی و مناقشه‌ها است در مورد منطقه اوراسیا صدق می‌کند.

الف) بحران چین و تأثیر آن بر توزیع انرژی

نفت و گاز طبیعی از مهم‌ترین ذخایر چین است و با توجه به وجود مخازن نفتی، صنایع نفت و پتروشیمی و پالایشگاه، مهم‌ترین بخش صنعت را در این جمهوری تشکیل می‌دهد. بنا به ادعای چینی‌ها ۹۰ درصد سوخت هواپیماهای روسیه از این جمهوری تأمین می‌شود. اما مسئولان چین مدعی هستند که هیچگاه از ثروتی که دولت مرکزی روسیه از سرزمین آن‌ها استخراج می‌کند، سهم مناسبی دریافت نکرده‌اند (Mohapatra, 2018: 104). چین یکی از مسیرهای حمل و نقل نفت و گاز به اروپا است و این موضوع بیانگر اهمیت راهبردی و موقعیت ژئوپلیتیک آن است. تجزیه چینستان، توانایی روسیه را در صدور نفت و گاز به بازار اروپا کاهش خواهد داد. روسیه در پی آن است که همچنان این مسیر را در کنترل خود داشته باشد. از سوی دیگر، استقلال چین ممکن است به واکنش‌های زنجیره‌ای در دیگر مناطق مسلمان‌نشین روسیه، به ویژه تاتارستان منجر شود. بحران چین نمونه روشنی است که در آن بحران هویت، توزیع منابع و اختلاف‌های محلی به درگیری منجر شده است (Forsberg and Herd, 2005: 461).

ب) اوستیای جنوبی، مسأله هویت و سیاست خط لوله انرژی

برخلاف چین که در آن افراط‌گرایی تولید انرژی و مسیرهای انتقال انرژی را تهدید می‌کند، درگیری در اوستیای جنوبی به دلیل تعارض هویت بوده است (Aris and Snetkov, 2013: 213). بحران اوستیای جنوبی که منجر به درگیری نظامی میان روسیه و گرجستان شد، از زمان فروپاشی اتحاد شوروی تاکنون به یکی از بحران‌های پیچیده در منطقه قفقاز تبدیل شده است (Francis, 2008). با گذشت بیش از یازده سال از این بحران، هنوز این وضعیت بهبود پیدا نکرده است. منازعه در اوستیای جنوبی موجب نامنی خط انتقال انرژی شد و از عامل‌های ایجاد مسیر جایگزین باکو، تفلیس و جیحان بود. این خط لوله، نفت جمهوری آذربایجان را از راه گرجستان به بندر جیحان، و از آنجا به وسیله تانکر به بازارهای بین‌المللی منتقل می‌کند. این خط لوله همچنین سبب کاهش نقش روسیه به عنوان تأمین‌کننده اصلی انرژی در اتحادیه اروپا می‌شود (Francis, 2008).

ج) امنیت انرژی و بحران کریمه

شبه‌جزیره کریمه برای روسیه و اروپا اهمیت راهبردی دارد. کریمه مرز خشکی کوچکی با اوکراین دارد و مهم‌ترین بندرهای دریای سیاه در آن قرار دارند. همچنین کریمه منطقه حایل میان دریای سیاه و دریای آزوف است که یکی از مهم‌ترین مناطق دریایی و بندری روسیه است و بخش عمده‌ای از حمل‌ونقل دریایی روسیه از این منطقه انجام می‌شود. این منطقه مزیت مهمی برای روسیه در مسیرهای انتقال انرژی به‌منظور اهرم فشاری علیه کشورهای اروپایی است (Judge and Sharples, 2014: 18). بعد از پیوست کریمه به روسیه، اولین کاری که دولت کریمه انجام داد، تحویل نفت و گاز چرنومور، شرکت دولتی اوکراینی که از میدان‌های نفت و گاز کریمه بهره‌برداری می‌کرد، به کرملین بود. شرکت گاز کریمه مسئول اکتشاف انرژی در ساحل دریای سیاه بود. بنا بر سند راهبرد پیش‌نویس انرژی تا سال ۲۰۳۰ که دولت اوکراین ارائه داد، ساحل دریای سیاه حدود ۴ تا ۱۳ تریلیون مترمکعب گاز دارد و توانایی تولید حدود ۷ تا ۹ میلیارد متر مکعب گاز تا سال ۲۰۳۰ را دارد. علاوه بر منابع انرژی نفت و گاز، این منطقه توانایی تولید ۳۰۰ مگاوات برق را دارد (Van de Graaf and Colgan, 2017: 3). پس از بحران کریمه، ظهور دوباره نوعی از تعارض‌های قومی و ملی در منطقه به چشم می‌خورد که بر امنیت انرژی اوراسیا تأثیر مستقیم می‌گذارد.

د) حمل‌ونقل انرژی، هویت و نزاع قره‌باغ کوهستانی

تهدید امنیتی ناشی از تشدید مناقشه قره‌باغ، مختل کردن طرح‌های انرژی مورد حمایت غرب در منطقه را در پی داشته است. این مناقشه که با فروپاشی اتحاد شوروی شعله‌ور شد در سال ۱۹۹۴ به آتش‌بس منجر شد و در حال حاضر وضعیت نه جنگ و نه صلح بر منطقه حاکم است. منطقه درگیری در چندکیلومتری مسیرهای عبور انرژی از دریای خزر به بازار اروپای غربی قرار دارد و آغاز دوباره مناقشه قره‌باغ می‌تواند به ناامنی مسیر جمهوری آذربایجان و سرانجام انصراف کشورهای شرق خزر به انتقال منابع هیدروکربنی از مسیر جمهوری آذربایجان منجر شود (Ipek, 2009: 229).

ه) منابع انرژی و گسترش افراط‌گرایی در قزاقستان

در سال‌های اخیر، قزاقستان به مرکز فعالیت‌های افراط‌گرایانه تبدیل شده است. حمله تروریستی در منطقه غنی از انرژی آکتوب در ژوئیه ۲۰۱۶ و تنها یک ماه پس از آن در آلماتی، پایتخت

پیشین قزاقستان، نمونه‌ای از این‌گونه اقدام‌ها امنیت انرژی قزاقستان را به خطر می‌اندازد. افراط‌گرایی که در سال ۲۰۱۶ در آلماتی و آکتوب رخ داد، یادآور حادثه‌ای است که در سال ۲۰۱۱ اتفاق افتاد. با استفاده از ناآرامی‌های اجتماعی، گروه‌های متعلق به جندالخلیفه فعالیت‌های تروریستی خود را در آکتوب انجام دادند. این منطقه غنی از نفت به‌ویژه منطقه‌ای که به قفقاز شمالی نزدیک است، همیشه به دلیل توزیع نشدن عادلانه درآمد نفت میان مردم منطقه و رکود اقتصادی سبب شده است تعداد قابل توجهی از جمعیت، نسبت به دولت احساس بیگانگی کنند و به حمایت از نیروهای افراطی و گروه‌های تروریستی روی بیاورند. در آینده در غرب آسیا و قفقاز شمالی، افراط‌گرایان ممکن است تلاش کنند تا کنترل تأسیسات نفتی قزاقستان را برای تأمین هزینه‌هایشان به دست بگیرند (Umbach and Raszewski, 2016: 4-5).

سازمان همکاری شانگهای

سازمان همکاری شانگهای از نهادهای منطقه‌ای است که موفقیت نسبی داشته است. زمینه شکل‌گیری سازمان به سال ۱۹۸۹ و سفر گورباچف به چین باز می‌گردد. در آن سفر، گفت‌وگوهایی در سطح مقام‌های بلندمرتبه برای همکاری در زمینه مبارزه با مسلمانانی انجام شد که در دو سوی مرز علیه دولت‌های مرکزی فعالیت می‌کردند. با فروپاشی اتحاد شوروی و تقسیم قلمروی آن به پانزده کشور مستقل، اختلاف‌های مرزی میان کشورهای منطقه با چین همچنان به قوت خود باقی بود تا اینکه در ۲۶ آوریل ۱۹۹۶ پنج کشور هم‌مرز روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان در شهر شانگهای گردهم آمدند و گروه موسوم به «شانگهای ۵» را با هدف حل اختلاف‌های مرزی و منطقه‌ای، تقویت اعتماد متقابل و خلع سلاح در مرزهای خود تأسیس کردند. در پنجمین نشست سران کشورهای «شانگهای ۵» در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۱، اعضا درخواست کشور غیرهم‌مرز با خود، یعنی ازبکستان را برای عضویت دائم پذیرفتند و به دنبال آن با صدور بیانیه‌ای تشکیل سازمان همکاری شانگهای را اعلام کردند. این سازمان در سال ۲۰۰۴ مغولستان و یک سال بعد ایران، هند و پاکستان را به‌عنوان اعضای ناظر پذیرفت. در سال ۲۰۱۸ هند و پاکستان به‌عنوان اعضای اصلی پذیرفته شدند. در حال حاضر، سازمان ۱۲ عضو شامل ۸ عضو دائم روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان، هند و پاکستان و ۴ عضو ناظر، مغولستان، ایران، افغانستان و روسیه سفید دارد (Yigit, 2012: 14-15).

هدف‌های اعلانی سازمان شانگهای به مرور تغییر کرد و امروزه به چهار دسته تقسیم می‌شود: ۱. تقویت اعتماد متقابل و روابط دوستانه با همسایگان در میان کشورهای عضو؛ ۲.

ترویج همکاری در سیاست، تجارت و اقتصاد، علم و فناوری، فرهنگ و همچنین آموزش و پرورش، انرژی، حمل و نقل، گردشگری و حفاظت از محیط زیست؛ ۳. همکاری برای حفظ صلح، امنیت و ثبات منطقه‌ای؛ ۴. حرکت به سوی ایجاد نوعی مردم‌سالاری جدید، نظم بین‌المللی سیاسی و اقتصادی منطقی.

سیاست داخلی سازمان براساس اصول اعتماد متقابل، سود متقابل، حقوق برابر، همکاری و احترام به تنوع فرهنگ‌ها است. بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در سازمان شانگهای شورا است که یک‌بار در سال نشست دارد و در مورد مسائل راهبردی و همکاری چندجانبه در سازمان تصمیم می‌گیرد. سازمان دو نهاد دائمی دارد، دبیرخانه در پکن و نهاد منطقه‌ای ضد تروریسم در تاشکند (Shanghai Cooperation Organisation, 2019 (a)).

بیانیه‌ها و قطعنامه‌های سازمان همکاری شانگهای در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۸

۱. مرحله اول از سال ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۰۰، همکاری و حل و فصل مسائل مرزی: در مرحله نخست، اعضای سازمان در این موارد به توافق رسیدند: مطلع کردن اعضا از فعالیت‌های نظامی که در محدوده ۱۰۰ کیلومتری مرزهایشان انجام می‌شود، دعوت از اعضا برای شرکت در رزمایش مشترک، ممنوعیت رزمایش در مرزهای مشترک و حمله نظامی به یکدیگر، کاهش نیروهای نظامی در مرزها، مبارزه با جرائم سازمان‌یافته در مناطق مرزی، پذیرش ازبکستان به‌عنوان عضو ناظر در سال ۲۰۰۰، تغییر نام پیمان شانگهای پنج به سازمان شانگهای پنج در سال ۲۰۰۰ (Shanghai Cooperation Organisation, 2000).

۲. مرحله دوم از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴، همکاری‌های امنیتی و اقتصادی: در این مرحله با توجه به اینکه نگرانی‌ها درباره مسائل مرزی تا حدی مرتفع شده بود، کشورهای عضو به همکاری در زمینه‌های دیگر توجه کردند. در ششمین نشست سران که در روزهای ۱۴ و ۱۵ ژوئن ۲۰۰۱ در شانگهای چین تشکیل شد در مورد ساختار موجود و توسعه آن، مسائل مهم منطقه‌ای و بین‌المللی و همکاری‌های اقتصادی و امنیتی بحث و تبادل نظر شد و اسناد مهمی امضا شد که مهم‌ترین آن‌ها سند توافق‌نامه مبارزه با تروریسم بین‌المللی، افراط‌گرایی دینی و قاچاق مواد مخدر و سلاح بود. در این نشست، ازبکستان به‌عنوان ششمین عضو مجمع شانگهای پنج پذیرفته شد. کشورهای عضو سازمان شانگهای به موضوع تروریسم یا

اسلام‌گرایی افراطی فقط از منظر امنیت داخلی نگاه می‌کنند (Shanghai Cooperation Organisation, 2004).

۳. مرحله سوم از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹، گسترش حوزه فعالیت سازمان شانگهای: سازمان شانگهای به تدریج در حال تبدیل شدن از یک سازمان منطقه‌ای به سازمانی فرامنطقه‌ای است. پذیرش عضویت سه کشور ایران، هند و پاکستان به صورت ناظر در سازمان شانگهای از نظر همکاری‌های منطقه‌ای، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های این سازمان را به طور درخور توجهی افزایش می‌دهد. در نشست سال ۲۰۰۸ سران سازمان شانگهای، چند تفاهم‌نامه برای تحکیم و گسترش همکاری در زمینه مسائل امنیتی و اقتصادی امضا شد. دعوت از رئیس‌جمهور افغانستان نشانه توجه سازمان به بحران‌ها و امنیت و ثبات در منطقه پیرامونی بود. در همین زمینه، شرکت سی‌ان‌اووسی چین^۱ اعلام آمادگی کرد مبلغ ۲۱۰ میلیون دلار در میدان‌های نفت و گاز ازبکستان سرمایه‌گذاری کند. همچنین چین اعلام آمادگی کرد که بزرگراهی به تاجیکستان بسازد و در نیروگاه برقی قزاقستان سرمایه‌گذاری کند. پوتین در این نشست پیشنهاد تأسیس باشگاه انرژی سازمان همکاری شانگهای را مطرح کرد و خواستار توسعه همکاری در زمینه حمل و نقل و ارتباطات شد (Shanghai Cooperation Organisation, 2009).

۴. مرحله چهارم در سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۸، گسترش همکاری‌های اقتصادی و تأمین امنیت انرژی: انجام تلاش‌های مشترک برای ارتقای همکاری‌های چندجانبه تجاری و اقتصادی، با استفاده از حداکثر ظرفیت موجود و اطمینان از اجرای به موقع عملیات برای حمایت از اجرای برنامه همکاری‌های چندجانبه تجاری و اقتصادی و نظارت منظم در اجرای آن، تبادل اطلاعات و ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای حمل و نقل و امور گمرکی در نقاط مرزی، گسترش ظرفیت حمل و نقل منطقه، دسترسی به بازارهای جهانی، توسعه زیرساخت‌های اجتماعی، ساخت مراکز مدرن بین‌المللی تجاری و گردشگری، ساخت کارخانه‌های جدید، معرفی فناوری جدید و صرفه‌جویی در انرژی، از جمله انرژی‌های تجدیدپذیر از موارد مصوب در این دوره بود.

سران دولت‌های عضو سازمان شانگهای تأیید کردند حمل و نقل بین‌المللی سبب توسعه حمل و نقل جاده‌ای، بهبود ظرفیت حمل و نقل کشورهای عضو، افزایش حجم تجارت و

۱. شرکت ملی نفت فلات قاره چین (China National Offshore Oil Corporation).

سرمایه‌گذاری متقابل در منطقه خواهد شد. بنابر راهبرد توسعه سازمان شانگهای تا سال ۲۰۲۵، این سازمان می‌خواهد به سطح کیفی جدیدی از راه افزایش همکاری در سیاست، امنیت، اقتصاد، توسعه فرهنگی و روابط بشردوستانه و مشارکت بیشتر در امور منطقه و حاکمیت جهانی دست یابد. تجارت و همکاری اقتصادی عنصر مهم ثبات در منطقه سازمان شانگهای و از ابزارهای دستیابی به پایداری درازمدت سازمان است. سران کشورهای عضو در سال ۲۰۱۸ در بیانیه‌ای درباره «اقدام مشترک علیه تهدید مشترک در فضای سازمان شانگهای»، در مورد طراحی عملیات ویژه مرزی «همبستگی - ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱» بحث و تبادل نظر کردند (Shanghai Cooperation Organisation, 2018).

۵. مرحله پنجم سال ۲۰۱۹، تأکید بر صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی و امنیت اطلاعات: در این نشست درباره موضوع‌هایی همچون توسعه، اینترنت و امنیت اطلاعات، حمل‌ونقل، تدارکات، مبارزه با خطرهایی که افغانستان را تهدید می‌کند و همکاری‌های امنیتی بحث و گفت‌وگو شد. سورونبای جینبکوف، رئیس‌جمهور قرقیزستان ضمن اشاره به امنیت اطلاعات در اینترنت گفت: اخبار و اطلاعات نادرست در اینترنت، امنیت کشورها را تهدید می‌کند. از فناوری اطلاعات در جرم و جنایت، تروریسم، هدف‌های سیاسی و نظامی استفاده می‌شود. تأمین امنیت اطلاعات باید یکی از مهم‌ترین موضوع‌های سازمان همکاری شانگهای باشد. ولادیمیر پوتین، در مورد امنیت اطلاعات گفت: از کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای می‌خواهیم تا در زمینه جلوگیری از گسترش عقاید افراط‌گرایی و تروریسم در اینترنت و همچنین استفاده نکردن از فناوری اطلاعات برای ارتکاب جرائم با هم همکاری کنند (Shanghai Cooperation Organisation, 2019 (b)).

امنیت انرژی، بعد جدید سیاست امنیتی در سازمان شانگهای

سازمان همکاری شانگهای برای تحقق هدف‌های پیش‌بینی شده در اساسنامه اقدام به نهادسازی‌های متعددی در چارچوب هدف‌ها و ساختار خود کرده است. به منظور تحقق هدف‌های مندرج در مواد ۱ و ۳ اساسنامه که در آن به تشویق همکاری کارآمد منطقه‌ای در حوزه انرژی و کاربرد مؤثر زیرساخت‌های موجود و توسعه بخش انرژی اشاره شده است و نیز هماهنگ کردن خط‌مشی‌های عرضه و تقاضا، تأمین امنیت خطوط انتقال، رشد همکاری‌های اقتصادی بین کشورهای عضو و سازگاری با تحول‌های جدید در عرصه باشگاه انرژی به پیشنهاد

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در نشست سال ۲۰۰۶ سران در آستانه قزاقستان به تصویب رهبران کشورهای عضو رسید (Bambawale and Sovacool, 2010: 1950). باشگاه انرژی سازمان همکاری شانگهای با حضور کشورهای چین، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه، ترکیه، تاجیکستان، افغانستان، هند، ایران، مغولستان، پاکستان، روسیه سفید و سریلانکا در سال ۲۰۱۳ تأسیس شد. هدف این باشگاه، گسترش گفت‌وگوها میان کشورهای عضو برای تأمین امنیت انرژی و به‌روزرسانی وبگاه‌های مربوط به بخش انرژی و امکان افزایش همکاری در زمینه انرژی است. کشورهای عضو این باشگاه در کل ۳۶ درصد تولید نیروی برق، ۲۳ درصد تولید گاز طبیعی، ۲۰،۸ درصد تولید نفت و ۶۰،۲۵ درصد تولید ذغال سنگ جهان را در اختیار دارند. ایران و روسیه بالاترین ظرفیت انرژی را دارند. ایران رتبه سوم ذخایر نفتی جهان و رتبه دوم گاز جهان را دارد در کنار روسیه که دارای رتبه اول گاز و از کشورهای دارنده نفت است. کشورهای عضو سازمان بیش از ۲۲ درصد ذخایر نفت و حدود ۴۴ درصد ذخایر گاز جهان را در اختیار دارند. علاوه بر مسائل نظامی و سیاسی، امنیت انرژی که یکی از عامل‌های اصلی سیاست امنیتی شناخته شده، در سازمان شانگهای مورد توجه قرار گرفته است (De Haas, 2008: 20-21).

جدول ۱. جایگاه کشورهای سازمان شانگهای بر پایه تولید نفت در سال ۲۰۱۹

کشور	تولید نفت (بشکه/روز)	سرانه تولید نفت (بشکه)
روسیه	۱۰،۸۰۰،۰۰۰	۷۳،۲۹۲
ایران	۵،۹۹،۹۵۶	۴۹،۷۱۴
قزاقستان	۱،۵۹۵،۱۹۹	۸۸،۶۸۶
چین	۳،۹۸۰،۶۵۰	۲،۸۳۶
ازبکستان	۵۲،۹۱۳	۱،۶۸۲
هند	۲،۵۱۵،۴۵۹	۵۵۴
پاکستان	۸۰،۰۰۰	۴۰۰

Source: BP.com, 2019: 14.

نقش روسیه و چین در قالب سازمان شانگهای در تأمین امنیت انرژی

چین و روسیه دغدغه تأمین و فروش انرژی را دارند، بنابراین برای این کشورها مهم است که خطوط انتقال انرژی از کدام کشورها عبور می‌کند. از سال ۲۰۰۰ به بعد روسیه اقدام‌های زیادی را برای حفظ موقعیت ژئوپلیتیک خود به‌عنوان مسیر انتقالی بین اروپا و آسیای مرکزی

انجام داده است. از جمله این اقدام‌ها سرمایه‌گذاری این کشور در چندین طرح بزرگ در کشورهای آسیای مرکزی است. برای نمونه، در ازبکستان حدود ۲٫۷ میلیارد دلار توسط گازپروم و لوک‌اویل سرمایه‌گذاری شده است. همچنین، پوتین با رئیس‌جمهور ترکمنستان و قزاقستان موافقت‌نامه‌هایی را برای ساخت خط لوله‌ای امضا کرد که گاز ترکمنستان و قزاقستان را به شبکه خط لوله روسیه متصل می‌کند. سهم روسیه در ساختار واردات اتحادیه اروپا اهمیت دارد. برای نمونه، در سال ۲۰۰۸ کشورهای اروپایی ۳۳ درصد از نفت خود را از روسیه وارد می‌کردند و سهم روسیه در واردات گاز اتحادیه اروپا بیش از ۴۰ درصد است (Molchanov, 2017: 4). از افزایش وابستگی اتحادیه اروپا به ذخائر نفت و گاز روسیه، به‌عنوان ابزاری مؤثر در دست مسکو برای فشار سیاسی استفاده می‌شود. اصطلاح «جنگ سرد خط لوله» در واقع به رقابت بر سر خطوط لوله میان کشورهای اروپایی از یک سو و روسیه از سوی دیگر اشاره دارد. کشورهای اروپایی به دنبال تنوع مسیر برای جایگزینی مسیر روسیه هستند تا از وابستگی خود به روسیه بکاهند. روسیه نیز با حفظ موقعیت خود و همچنین با افزایش خطوط لوله به دنبال حفظ انحصار خود در انتقال گاز منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به اروپا است. دولت روسیه برای جلوگیری از پیشروی غرب در این منطقه دست به دو اقدام زده است: اول اینکه به دنبال ناامن کردن مسیرهایی است که غربی‌ها برای کاهش وابستگی به روسیه تأسیس کرده‌اند؛ دوم، به دنبال افزایش مسیرهای انتقال خود به غرب است. برای نمونه می‌توان به خط لوله اروپای شمالی اشاره کرد (Papava and Tokmazishili, 2010: 23).

چین کشوری پرجمعیت در شرق آسیا است که تأمین و امنیت انرژی مهم‌ترین عامل رشد اقتصادی و در نتیجه امنیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن محسوب می‌شود. رهبران این کشور در دهه‌های گذشته به خوبی اهمیت رشد و توسعه اقتصادی را در امنیت اقتصادی و سیاسی کشورشان درک کرده‌اند. چین در چند دهه گذشته رشد اقتصادی نزدیک به ۱۰ درصد داشته است. از مهم‌ترین عامل‌های آن ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این کشور بوده است. از سوی دیگر، حفظ این میزان رشد اقتصادی به تضمین امنیت انرژی بستگی دارد، به‌شکلی که هرگونه خلل در عرصه انرژی، نه تنها رشد اقتصادی چین را متوقف می‌سازد، بلکه این کشور را با بحران‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی روبه‌رو می‌کند. به همین دلیل، حفظ امنیت انرژی از مهم‌ترین هدف‌های راهبردی و همچنین اولویت‌های سیاست خارجی چین محسوب می‌شود. دولت چین برای افزایش امنیت انرژی سیاست‌هایی را در عرصه داخلی و بین‌المللی در اولویت قرار داده است. این سیاست‌ها شامل متنوع‌سازی منابع سوخت، تمرکز بر تولیدات

داخلی انرژی، تأکید بر کارایی و بهره‌وری، ایجاد ذخایر راهبردی و سرمایه‌گذاری در همه مناطق و کشورهای نفت‌خیز می‌شود (Molchanov, 2017: 7).

چین آسیای مرکزی را یکی از سه منطقه راهبردی خود می‌داند. اما سایه نظامی آمریکا به بهانه «جنگ با تروریسم» در این منطقه سنگینی می‌کند. آسیای مرکزی از نظر مواد خام دومین منطقه حیاتی بعد از خلیج فارس برای چین محسوب می‌شود (Koolae and Tishehar, 2013: 129). در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی، چین ۸۰ درصد از سرمایه‌گذاری در آسیای مرکزی را به خود اختصاص داده است. چین در ازبکستان نیز به دنبال تأمین انرژی مورد نیاز خود است. ازبکستان سالانه نزدیک به ۶۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی تولید و بخشی از آن را به چین و روسیه صادر می‌کند. راهبرد اقتصادی چین در این منطقه، برای توسعه مناطق غربی و کاهش تنش‌های سیاسی در سین‌کیانگ است. از آنجا که عقب‌ماندگی اقتصادی از مهم‌ترین علت‌های بروز شورش‌های اجتماعی و ظهور اسلام‌بنیادگرا در این مناطق محسوب می‌شود، کمک به توسعه اقتصادی در این کشورها نیز موجب افزایش امنیت منطقه‌ای خواهد شد. چین می‌خواهد در قالب سازمان‌هایی مانند سازمان همکاری شانگهای و باشگاه انرژی به هدف‌های تأمین امنیت انرژی خود در این منطقه دست یابد (Bolonina, 2019: 4-6).

طرح یک کمر بند - یک راه

راهبرد جهانی چین در قالب این طرح، ترسیم شده است. این ابتکار، یکی از جلوه‌های قدرت نوظهور چین است که سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا را به یکدیگر متصل می‌کند که در سال ۲۰۱۳ ارائه شد. راه ابریشم جدید، یک طرح سرمایه‌گذاری در زیربنای اقتصادی بیش از ۶۵ کشور جهان و توسعه دو مسیر تجاری «کمر بند اقتصادی راه ابریشم» و «راه ابریشم دریایی قرن بیست و یکم» است. این طرح با هدف ارتقای جایگاه چین در معادلات تجاری و اقتصادی جهان و ایجاد شبکه حمل و نقل بین‌المللی به مرکزیت این کشور، چین را قادر می‌سازد کالاهایش را به صورت زمینی و دریایی به کشورهای جهان در هر سه قاره برساند. «کمر بند اقتصادی» چین را از راه آسیای مرکزی و خاورمیانه به اروپای شرقی و غربی متصل می‌کند و کشورهای قرقیزستان، قزاقستان، ازبکستان، ایران، ترکیه، اوکراین، لهستان، بلژیک، فرانسه و ایتالیا را شامل می‌شود (Chatzky and McBride, 2019: 3). یک بخش اصلی طرح، دالان اقتصادی پاکستان و چین از سین‌کیانگ تا گوادر به ارزش ۵۴ میلیارد دلار است. همچنین، یک

راه آهن سریع‌السیر ۳۰۰۰ کیلومتری، جنوب چین را به سنگاپور متصل می‌کند (Zhou and Others, 2015: 2).

چین برای توسعه حمل‌ونقل کالا و انرژی در این مسیرها سرمایه‌گذاری می‌کند: آزادراه مسکو به قازان در روسیه، راه آهن قزاقستان از قورغاس به بندر آق‌تاو در ساحل دریای خزر، چند خط لوله گاز از ترکمنستان به چین، خط آهن چین و قرقیزستان و ازبکستان، خط آهن ترانس آسیا از چین به اروپا از راه قزاقستان و روسیه، راه آهن جاده ابریشم از چین به ایران از راه قزاقستان، آزادراه چین به پاکستان (Farchy and Others, 2016: 2-3). چین، همچنین برای دستیابی به اقیانوس هند از راه تنگه مالاکا ممکن است با هند دچار چالش شود؛ بنابراین در طرح راه ابریشم جدید تلاش شده است که از راه دالان اقتصادی پاکستان و چین یا از راه بنگلادش، راه دیگری به اقیانوس هند باز شود (Wong and Others, 2017: 9).

نتیجه

در این نوشتار مسیرهای انتقال انرژی در حوزه سازمان شانگهای، نزاع‌های منطقه‌ای تهدیدکننده امنیت این مسیرها و نیز تحول‌های دو دهه این سازمان را بررسی و هدف‌ها و سیاست‌های دو کشور تأثیرگذار چین و روسیه را در این سازمان بیان کردیم. در این بررسی روشن شد که سازمان همکاری شانگهای از نظر جغرافیایی از وسیع‌ترین پیمان‌هایی است که تاکنون تشکیل شده است و بخش بزرگی از جمعیت جهان، منابع انرژی و بازار اقتصادی جهان را در خود دارد. همچنین، تحول هدف‌های این سازمان از محدوده حل مشکلات مرزی دو کشور چین و روسیه تا همکاری‌های اقتصادی و تأمین امنیت خطوط انتقال انرژی را بیان کردیم. مجموع این عامل‌ها نشان می‌دهد که این سازمان ظرفیت تبدیل شدن به بزرگ‌ترین قطب انرژی، اقتصادی و راهبردی جهان را دارد. اما پس از گذشت حدود ربع قرن، سازمان شانگهای به چنین جایگاهی دست نیافته است. علت آن را دو عامل مهم سیاسی و اقتصادی باید یافت. از نظر اقتصادی، شرط موفقیت یک پیمان منطقه‌ای آن است که اقتصادهای کشورهای عضو باید به‌نوعی مکمل یکدیگر باشند و رونق اقتصادی و نیازهای این کشورها در داخل خود سازمان قابل تأمین باشد. این در مورد پیمان شانگهای صدق نمی‌کند. برای نمونه، در این دنیای جهانی شده، اقتصاد چین بیش از آن‌که با کشورهای هم‌پیمان در شانگهای مرتبط باشد، به بازار بزرگ ایالات متحد آمریکا گره خورده است. از سوی دیگر، قدرت بزرگ روسیه برای صدور انرژی و به‌دست آوردن درآمد به مشتریان اروپایی‌اش وابسته است تا به چین.

از نظر سیاسی نیز، برخلاف کشورهای عضو اتحادیه اروپا که نظام لیبرال دموکراتیک و ایدئولوژی مشترک دارند، اعضای سازمان شانگهای جهان‌بینی و نظام‌های حکومتی و ایدئولوژیک متفاوتی دارند. الزام‌های جهانی شدن در این روزگار یارگیری و همکاری در صحنه بین‌المللی خاصی را به کشورها تحمیل می‌کند که لزوماً هم‌سو با ضرورت‌های یک پیمان منطقه‌ای نیست. به همین دلیل، با آن‌که هدف‌های سازمان همکاری شانگهای در ۲۵ سال گذشته متحول شده است و گسترش یافته، تبدیل شدن آن به یک پیمان ابرقدرت در جهان بعید به نظر می‌رسد.

References

- Aris, Stephen and Agalaya Snetkov (2013), "Global Alternatives, Regional Stability and Common Causes in the International Politics of the Shanghai Cooperation Organization and its Relationship to the West", **Eurasian Geography and Economics**, Vol. 54, No. 2, pp. 202-226.
- Bambawale, Malavika Jain and Benjamin K. Sovacool (2010), "China's Energy Security: the Perspective of Energy Users", **Energy Governance Program, Centre on Asia and Globalisation**, Vol. 88, No. 5, pp. 1949-1956.
- Bolonina, Aleksandra (2019), "Security Dimension of China's Presence in Central Asia", Available at: <https://www.iris-france.org/wp-content/uploads/2019/04/Asia-Focus-108-Eng.pdf/>, (Accessed on: 13/8/2019).
- BP (2019), "Statistical Review of World Energy Full Report", Available at: https://www.bp.com/.../bp.../_pdf, (Accessed on: 13/8/2019).
- Chatzky, Andrew and James McBride (2019), "China's Massive Belt and Road Initiative", Available at: <https://www.cfr.org/backgrounders/chinas-massive-belt-and-road-initiative>, (Accessed on: 5/4/2020).
- De Haas, Marcel (2008), "The Shanghai Cooperation Organisations Momentum towards a Mature Security Alliance", **Netherlands Institute of International Relations**, Vol. 36, No. 1, pp. 14-30.
- Farchy, Jack, James Kyngé, Chris Campbell and David Blood (2016), "One Belt, One Road", Available at: <https://ig.ft.com/sites/special-reports/one-belt-one-road/>, (Accessed on: 5/4/2020).
- Fearon, James and David D. Laitin (2011), "Sons of the Soil, Migrants, and Civil War", **World Development**, Vol. 39, No. 2, pp. 199-211.
- Forsberg, Tuomas and Graeme P. Herd (2005), "The EU, Human Rights, and the Russo-Chechen Conflict", **Political Science Quarterly**, Vol. 120, No. 3, pp. 455-478.
- Francis, David R. (2008), "Petropolitics at Heart of Russia-Georgia Clash", Available at: <https://www.csmonitor.com/Commentary/2008/0816/p14s01-cogn.html>, (Accessed on: 22/6/2019).

- Global Security** (2017), Available at: https://www.globalsecurity.org/Tashkent_Declaration_by_Heads_of_the_Member_States_of_the_SCO.pdf/, (Accessed on: 13/8/2019).
- Ipek, Pinar (2009), "Azerbaijan's Foreign Policy and Challenges for Energy Security", **Middle East Journal**, Vol. 63, No. 2, pp. 227- 239.
- Judge, Andrew and Jack Sharples (2014), "EU Energy Security and the Crisis in Crimea", **European Policies Research Centre, University of Strathclyde**, Apr. 4, Available at: https://www.academia.edu/6908143/EU_Energy_Security_and_the_Crisis_in_Crimea, (Accessed on: 7/5/2020).
- Kanet, Roger E. and .. Sussex (2016), "Power, Politics and Confrontation in Eurasia: o reign Policy in a Contested Region", **International Affairs**, Vol. 92, No. 3, pp. 742-743.
- Koolae, Elaheh and Mandana Tishehyar (2013), "An Outlook on Energy Cooperation Approaches in the Shanghai Cooperation Organization (SCO) Region", **Geopolitics Quarterly**, Vol. 8, No. 4, pp. 41-71.
- Mohapatra, Nalin Kumar (2018), "Energy Security and Pattern of Regional Conflicts in Eurasia. from a Constructive Framework of Analysis", Available at: <https://www.veruscript.com/a/UQ2OTI/>, (Accessed on: 20/4/2019).
- Molchanov, Mikhail A. (2017), "Russia-China Relations in Central Asia and the SCO", **Changing Regional Alliances for China and the West**, Available at: https://www.researchgate.net/publication/312147023_Russia-China_relations_in_Central_Asia_and_the_SCO, (Accessed on: 7/5/2020).
- Papava, Vladimer and Michael Tokmazishili (2010), "Russian Energy Politics And the Eu: How to Change the Paradigm", **Caucasian Review of International Affairs**, Vol. 4, No. 2, pp. 103-111.
- Rahman, Khalid (2011), "Central Asia, Energy Security and Shanghai Cooperation Organization", **Policy Perspectives**, Vol. 8, No. 1, pp. 65-76.
- Shanghai Cooperation Organisation** (2000), Available at: http://Declaration_on_the_establishment_of_the_SCO.pdf/, (Accessed on: 13/8/2019).
- Shanghai Cooperation Organisation** (2004), Available at: http://Tashkent_Declaration_by_Heads_of_the_Member_States_of_the_SCO.pdf/, (Accessed on: 13/8/2019).
- Shanghai Cooperation Organisation** (2009), Available at: http://Joint_initiative_on_accelerated_multilateral_economic_cooperation_to_overcome_the_global_financial_and_economic_crisis_impacts.pdf/, (Accessed on: 13/8/2019).
- Shanghai Cooperation Organisation** (2018), Available at: http://eng.sectsc.org/documents/List_of_documents_introduced_for_signing_at_the_meeting_of_the_Council_of_Heads_of_State_of_the_Shanghai_Cooperation_Organisation.pdf/, (Accessed on: 13/8/2019).
- Shanghai Cooperation Organisation** (2019) (a), Available at: http://Statement_by_the_heads_of_government_of_the_member-states_of_the_SCO.pdf/, (Accessed on: 13/8/2019).

- Shanghai Cooperation Organisation** (2019) (b), Available at: http://Shos_130619_Бикккк_лррцци.d осх/, (Accessed on: 1388/2019).
- Van de Graaf Thijs and Jeff D. Colgan (2017), “Russian Gas Games or Oil-Oiled Conflict? Energy Security and the 2014 Ukraine Crisis”, **Energy Research and Social Science**, Vol. 24, pp. 59-64.
- Umbach, Frank and Slawomir Raszewski (2016), “Strategic Perspectives for Bilateral Energy Cooperation between the EU and Kazakhstan Geo-Economic and Geopolitical Dimensions in Competition with Russia and China’s Central Asia Policies”, **Kazakhstan Energy Study**, Available at: https://www.kas.de/c/document_library/get_file?uuid=00e96cba-e1e7-30ca-2457-5b611c6d6c9b&groupId=252038, (Accessed on: 7/5/2020).
- Wong, Erebun, Lau Kin-chi, Sit Tsui and Wen Tiejun (2017), “China’s Strategy for a New Global Financial Order”, Available at: <https://monthlyreview.org/2017/01/01/one-belt-one-road/>, (Accessed on: 5/4/2020).
- Yigit, Süreyya (2012), “Energy Security, Shanghai Cooperation Organization and Central Asia”, **ORSAM Books**, Vol. 2, No. 4, pp. 12-14.
- Zhou, Jiayi, Karl Hallding and Guoyi Han (2015), “The Trouble with China’s ‘One Belt One Road’ Strategy”, Available at: <https://thediplomat.com/2015/06/the-trouble-with-the-chinese-marshall-plan-strategy/>, (Accessed on: 5/4/2020).

